

"کنفرانس اسلو" زانو زدن زیر پرچم "حقوق بشر و دموکراسی بورژوازی!"

ناصر بابامیری

«کنفرانس اسلو» دیروز 18 اکتبر با عنوان «حقوق بشر در ایران پس از جمهوری اسلامی» در شهر اسلو نروژ برگزار شد. این کنفرانس ظاهر توسط "سازمان حقوق بشر ایران" که شامل چهار پنل برای احزاب و سازمانها و فعالان سیاسی و حقوق بشری سازماندهی شده بود. دولتهای غربی (اعم از آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان) در سالهای مانده به انقلاب 1357 و قتیکه اعتصاب و اعتراضات کارگری و توده ای علیه رژیم شاهنشاهی اوج گرفت، وحشت از انقلاب آنها را وا داشت جهت مصادره آن نقشه بکشند. شاه ایران که به قدرت موروثی باورمند و خود را سایه خدا بر زمین می دانست، و قتیکه با اعتصاب و اعتراضات میلیونی توده ها مواجه گشت، و قتیکه کارگران شیر نفت را بستند... ناچار گشت از ترس قهر انقلابی توده ها از ایران متواری شود. و متعاقبا بورژوازی غرب به تکاپو افتاد تا طرح خود جهت به انحراف کشیدن انقلاب را که سالها بود برای آن برنامه ریزی کرده بود عملی کند. کماینکه دول غربی آخوند مرتجع خمینی را که سالها بود برای چنین تندپچی پرورش داده بودند از فرانسه به ایران آوردند و بر موج انقلاب سوار کردند.

دهه ها از میلیتاریزه کردن و خون پاشیدن رژیم به جامعه و کشمکش و رویاروی جامعه با آن گذشت. شکاف های طبقاتی و سیاسی عمیق و عمیق تر شد. مبارزات وقفه ناپذیر برغم فراز و فرودها جلو آمد... بدنبال خیزشهای توده ای دی ماه 96 و آبانماه سال 98 و شهریور 1401 دول غربی تلاشهایی را صورتبندی کرد تا ببیند کدام یک از جناحهای بورژوازی در ایران دارای پایگاه توده ایست تا در صورت عروج یک برآمد انقلابی دوباره بتواند با آلترناتیو تراشی از بالا آنها را پیمودن مسیر منطقی منحرف یا از محتوا تهی کند. برای نیل به این مقصود کنفرانس ها را پشت درهای بسته راه انداخت تا بلاخره رسید به کنفرانس "جورج تاون" و "کنفرانس مونیک".

این کنفرانسها برای دول غربی اگر نتیجه ای داشت بیشتر مایوس کننده بود. آنهم اینکه این طیف از گرایشات و نیروهای راست حاضر در کنفرانس نه تنها در جامعه پایگاه اجتماعی آنچنانی نداشتند بلکه بدرجات زیادی منفور و مطرود هم بودند. به این اعتبار غرب اینبار سعی نمود ترکیبی از گرایشات راست و چپ را بیازماید. نشست 7 جریان ناسیونالیست کرد در "برگیش گلاباخ" در ماه اکتبر 2025 نمونه ای از سنجش منطقه ای بود تا قوای ناسیونالیستهای کرد را در چنین راستایی بسنجد و آنها را برای رفتن پشت پرچم "حقوق بشر" و "دموکراسی بورژوازی" منسجم کند. «کنفرانس اسلو» گام دوم برای همگرایی راست و چپ بورژوازی سراسری بود تا در این نشست نیز علنا نشان دهند بعنوان نیروهای وفادار به پرچم «حقوق بشر و دموکراسی بورژوازی» آماده به خدمتند.

هیئت های حاکمه غرب و دولتهای فخیمه بارها علنا و رسماً اعلام کرده اند، برنامه رژیم پنج در ایران را در دستور کار ندارند. و همه تلاششان اینست از طریق اعمال ریاضت اقتصادی و به بهانه برنامه هسته ای، موشکی، نیروهای نیابتی و حتی جنگهای موضعی رژیم ایران را چنان تحت فشار حد اکثری قرار دهند تا آنها ملزم به رعایت موازین و قواعد یک رژیم متعارف سرمایه داری در منطقه کنند و به پیشگاه آنها روی آورد. جالب است با وجود این، بخش وسیعی از نیروهای راست و ناسیونالیست حتی بخشا چپ اپوزسیون و پوزسیون باز تماماً روی حمله نظامی اسرائیل و آمریکا حساب باز نموده و کفش و کلاه کرده بودند تا با حمایت نظامی آمریکا و دول غربی رژیم ایران را ساقط و خود را سا بعنوان آلترناتیو دست نشاندۀ غرب به حاکمیت دست یابند! به همین اعتبار در جنگ ارتجاعی دوازده روز میان رژیم ننگین ایران و اسرائیل با مشارکت آمریکا تماماً و بدون لکنت زبان پرو آمریکایی و پرو اسرائیلی حضور پیدا کردند و رسماً بخشی از دستگاه پروپاگنده اسرائیل و آمریکا شدند. آنها در هیئت نیروهای نیابتی غرب خواهان "جنگ جنگ تا پیروزی" شدند و اسرائیل و آمریکا را بعنوان تنها منجی از این وضعیت فلاکتبار اقتصادی و مختنق سیاسی در ایران جار زدند. در حالیکه بر همه روشن بود این جنگ ارتجاعی قبل از اینکه رژیم ننگین ایران را هدف قرار گرفته باشد، بیشتر و بیشتر فضای ایجاد شده مبارزاتی و دستاوردهای حاصله چندین دهه توده های پیاخته علیه رژیم آدمکش و استثمارگر را به محاق خواهد برد. جنگی بشدت ارتجاعی که مردم را از مبارزه برای تغییر از پائین دور میکند و در عوض بعنوان مانده آسمانی برای رژیم است و دست آنها بیش از پیش به بهانه این جنگ ارتجاعی برای تعرض به اعتصاب و اعتراض هر روزه بازتر می گذارد. این نیروهای راست و ناسیونالیستی و چپ نئوتوده ای و اکثریتی طی ایندوره حتی از محاسن این جنگ تزه های کشاف در کردند.

همین آقای حمید تقوایی که اسم کمونیزم کارگری را یدک می کشد، از فوائد حملات موشکی اسرائیل و حامیانش به مراکز هسته ای و نظامی گفتند، و استدلال کردند که این جنگ در راستای تحقق "انقلاب زن زندگی آزادی" است. و تازه ژشت بشردوستانه هم بخود گرفتند و اذعان داشتند در هر جنگی هم خواهی خواهی انسانهای بی دفاع هم قربانی میشوند! همه این صغری و کبری کردنهای طیفهای رنگارنگ راست و چپ بورژوازی بر این امید واهی سوار بود که آنها هم در پس این جنگ ارتجاعی بعنوان پیاده نظام اسرائیل و غرب نقش ایفاء کنند و در صورت سقوط رژیم آخوندی آنها هم سهمی در قدرت سیاسی داشته باشند.

اما این صف متلون راست و چپ بورژوازی وقتی دیدند، دولتهای غربی بدنبال جنگ ارتجاعی 12 روزه و فعال کردن "مکانیزم ماشه" نیز هنوز خواه علنی و خواه نیمه مخفی در حال چانه زنی با تیم های رژیم جمهوری اسلامی هستند. وقتیکه دیدند دوباره اعتصاب و اعتراضات از سر گرفته شد و جنگ ارتجاعی متوقف شد و امید تغییر از بالا با توسل به جنگ و رژیم چنج حباب روی آب شد و ترکید! اینبار تلاش کردند با استراتژی اصلاح طلبانه غرب خود را همسو کنند .

استراتژی که دنبال اینست تا با فشارهای حداکثری وارده شکاف میان دو جناح اصلی در حاکمیت را عمیقتر و گسترده تر کند، به گونه ای که چهرهای تمامیت خواه را یکی یکی و دسته دسته بمرور حتی با حذف فیزیکی هم بوده باشد، از دور خاج کند و بجای آنها چهره های معتدل و بویژه اصلاح طلب و حقوق بشری را به صدر قدرت براند. با گشودن چنین افقی از نظر خود برای همه این صفوف متلون احزاب و سازمانهای راست و چپ بورژوازی که غرب آنها را در کنفرانس اسلو بخت کرده جا باز خواهد کرد، و از آن مهمتر با گرفتن این پروژه، راه رشد مبارزات رو به اعتلای انقلابی و شانس کارگر و کمونیزم بعنوان آلترناتیو پیشرو و انقلابی را نیز که دهه هاست هزینه می دهند سد خواهد کرد. کمالینکه همین تبیین در فحوای کلام همین نیروها که حول پرچم "حقوق بشر" در کنفرانس اسلو حلقه زده بودند به روشنی زمزمه و بیان شد. ابراهیم علیزاده تا کنون بارها طی مصاحبه ها و در این کنفرانس هم خواسته خود را بعنوان قیم طبقه کارگر و فرو دستان و کل جامعه جا بزند و دیدیم چقدر گستاخانه اعلام میدارد، آلترناتیو انقلابی هنوز مهیا نیست و به این اعتبار قادر نیست رژیم را با اتکا به تناسب قوای طبقاتی خود به زیر بکشند و تلویحا اذعان میدارد انقلاب از پائین تا اطلاع ثانویه از دستور خارج و بایگانی است! پشت بند آن از راه های محتمل سخن میگوید؟! یک راه حل، ایجاد اصلاحات در چهارچوب همین رژیم، آنهم با تغییر چهره ها که منظورش همان استراتژی غرب است که خواهان رژیم چنج نیستند! و بدنبال آن از راه حل دوم، همانا راه حل نظامی سخن میگوید که آنرا ظاهر برای آینده جامعه زیانبار می داند و بروی راه حل نخست تاکید دارد.

و البته حمید تقوایی، یکی دیگر از پانلیستها که در جنگ ارتجاعی 12 روزه برخلاف آقای علیزاده که راه حل در جنگ را بنفع آینده جامعه نمی دید ایشان در باب جنگ ارتجاعی اسرائیل و ایران تماما پرو اسرائیلی و پرو آمریکایی حضور داشتند. پس از چند ماه جدل در پشت درهای بسته در کریدورهای هیئتهای حاکمه، نهایتا غرب توانست این طیف متلون راست و چپ بورژوازی را که یکی خواهان جنگ بود تا خطر انقلاب را از سر بگذارند و دیگری ناامید از مبارزه جنبشهای پیشرو و تغییر از پائین را حول پرچم "حقوق بشری" به صف کند. کسانی را که دورانی از زاویه کمونیستی پرچم "حقوق بشر" و "دمکراسی بورژوازی" و اجزای تشکیل دهنده آن را با کدام "حقوق" کدام "بشر" منظور تانست! ..تا مصداق آنرا مورد نقد و نفی قرار میدادند، اکنون مبلغ و مبشر این متاعهای بنجل بورژوازی شده اند و جامعه را میخواهند حول این آلترناتیو راست بورژوازی سازماندهی کنند. کنفرانس اسلو محل تجمع سلطنت طلبان و مشروطه خواهان و ناسیونالیستهای قومی و چپ ناسیونالیست و پوپولیست تا جمهوری خواهان و شورای مدیریت گذار تا اصلاح طلبان رانده شده از حاکمیت زیر پرچم "حقوق بشر" و "دمکراسی بورژوازی" است. این آلترناتیو حقوق بشری بواقع برانزده این احزاب و نیروهاست .

اما اکثریت عظیم جامعه کارگران و فرودستان، کمونیستها و پیشروان خواهان دنیای فارغ از اسارت و بردگی، دنیایی فارغ از تبعیض و نابرابر، دنیایی فارغ از مرزبندیهای نژادی، قومی، مذهبی و جنسیتی، دنیایی فارغ از قدرتهای موروئی و راه حلهای سرمایه دارانه، اجازه نخواهند داد شما به عنوان قیم از بالای سر آنها آلترناتیوی سازی کنید و دستاوردهای چندین دهه های آنها را که برایش طی دهه ها هزینه های سنگین داده اند با پرچم "حقوق بشری" و "دمکراسی بورژوازی" یکبار دیگر مصادره کنید .

کارگران و اقشار تحت ستم و کمونیستها در این جامعه برغم بیش از چهار دهه گرو گرفتن زندگی، برغم همه فراز و فرودهای مبارزاتی در نبردی بشدت نابرابر دارند می جنگند. اعتصاب و اعتراضات هر روزه آنان تنها بخشی از وظایف و نقش طبقاتی و سیاسی آنها برای مهیا کردن ملزومات انقلاب آتی را تامین می نماید، اما قطع به یقین این سنگر از مبارزه هم آنانرا از دیگر وظایفشان که مبارزه و افشای باندبازان عوام فریب و سوداگران، دشمنان رنگاورنگ طبقاتی و سیاسی است دور نخواهد کرد. پیشروی کارگران و اقشار ستمدیده ایران در عرصه های نبرد با حافظان ریز و درشت سرمایه تنها و تنها ضامن جهت عقیم نمودن پروژهایبست که سالهاست ضد انقلابیون در داخل و خارج و اعوان و انصارشان با حمایت دول غربی و شرکای مرتجع منطقه جهت مصادره انقلاب برایش نقشه می کشند و هزینه ها می کنند. طبقه کارگر ایران و کمونیستهای این صف عظیم اجتماعی تنها و تنها از طریق به پیروزی رساندن انقلاب کارگری می توانند تلاش این نیروهای فالانژیستی "حقوق بشری" و طرفداران "دمکراسی بورژوازی" را برای مصادره انقلاب خنثی کنند.

19.10.2025